

۱۵۴۰۷۲۵

تحقق بخشی خود:

درمان روان تحلیلی مبتنی بر رویکرد روابط اثره

تألیف

فرانک ل. سامرز

ترجمه

سمانه غفوری

دانشجوی دکترای تخصصی روان شناسی بالینی

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)

دکتر محمود دهقانی

استادیار گروه روان شناسی بالینی

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)



انتشارات ابن سینا

سرشناسه : سامرز، فرانک (Summers, Frank)
 عنوان و نام پدیدآور : تحقیق بخشی خود: درمان روان تحلیلی مبتنی بر رویکرد روابط ابژه
 مشخصات نشر : تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص.
 شابک : ۱۵۰۰۰۰ ریال 3-87-964-978
 وضعیت فهرست نویسی : فیزیایی مختصر
 یادداشت : این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 یادداشت : عنوان اصلی: Transcending the self: an object relations model of...
 عنوان دیگر : درمان روان تحلیلی مبتنی بر رویکرد روابط ابژه.
 شناسه افزوده : غفوری، سمانه، ghafori.samaneh، 1364/05/02، مترجم، دانشجو
 شناسه افزوده : دهقانی، محمود، -۱۳۵۷، مترجم
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۶۵۷۴۰

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات ابن سینا محفوظ است. لذا هرگونه تکثیر و بازنویسی مطالب به هر نحو ممکن در هر گونه رسانه، کتاب، مجله، جزوه و لوح فشرده بدون اجازه کتبی ناشر شرعاً حرام است و موجب پیگرد قانونی می شود.



نام کتاب:	تحقیق بخشی خود: درمان روان تحلیلی مبتنی بر رویکرد روابط ابژه
تألیف:	فرانک ل. سامرز
ناشر:	انتشارات ابن سینا
مترجم:	سمانه غفوری، دکتر محمود دهقانی
صفحه آرا:	فاطمه نویدی
لیتوگرافی:	نفیس نگار
چاپ:	نفیس نگار
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ:	اول، آذرماه ۱۳۹۴
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۵۰-۸۷-۳
بها:	۱۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش

تهران: خیابان انقلاب، خیابان متری جاوید (اردیبهشت)، خیابان وحیدنظری غربی، پلاک ۱۵۰، واحد ۵

Email: press.ebnesina@gmail.com

تلفن: ۶۶۴۱۸۳۱۹، فکس: ۶۶۴۱۸۳۰۹

کتاب فروشی انتشارات ابن سینا: اهواز: بلوار گلستان، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، تلفن: ۰۶۱۳۳۷۳۳۸۲۶۷

نمایندگی های فروش

مشهد: انتشارات مجد دانش	تلفن: ۰۵۱۱-۸۴۴۱۰۱۶	تبریز: کتابفروشی شیرنگ	تلفن: ۰۴۱۱-۳۳۴۱۹۰۸
کرمانشاه: جهان کتاب	تلفن: ۰۸۳۱-۷۲۸۴۸۳۷-۸	ارومیه: شهر کتابفروشی پزشکی	تلفن: ۰۴۴۴-۲۲۵۲۸۷۹
شاهرود: کتابسرای معین	تلفن: ۰۳۷۳-۲۲۲۱۴۱۰	اصفهان: مانی	تلفن: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۴۰۵
یاسوج: خانه کتاب	تلفن: ۰۷۴۱-۲۲۲۳۵۱۲	قزوین: کتابفروشی ابن سینا	تلفن: ۰۲۸-۳۳۳۴۹۲۰۸

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	تقدیر و تشکر
۱۳	مقدمه انگلیسی دکتر فرانک سامرز
۱۵	مقدمه دکتر فرانک سامرز
۱۷	مقدمه مترجم
۱۹	فصل ۱. یک مراجع، سه دیدگاه
۳۹	فصل ۲. «خود» و ابژه
۶۷	فصل ۳. تقدیر «خود» مدفون شده
۸۹	فصل ۴. فراتر بردن «خود»
۱۱۵	فصل ۵. «خود» شکننده، ابژه آمیخته
۱۵۱	فصل ۶. «خود» ناقص، ابژه محافظ
۱۸۳	فصل ۷. «خود» بی ارزش، ابژه بد
۲۰۹	فصل ۸. نتیجه گیری: هنر درمان روان تحلیلی
۲۱۳	منابع
۲۲۱	نمایه

این کتاب برای درمانگرانی نوشته شده که به دنبال ایده‌های مفید در درمان بیمارانشان هستند. اگرچه این کتاب نوعی مدل نظری ارائه می‌کند که در راستای دیدگاه‌های روان‌تحلیلی موجود است، با این حال هدف این کتاب، بالینی است. من در مورد بسیاری از مباحث فعلی در روان‌تحلیلی نگران هستم، چون صرفاً به مفاهیم نظری می‌پردازند و تمرکز کمتری بر چگونگی تغییر شخصیت دارند. امیدوارم مدلی نظری به همراه کاربرد بالینی آن معرفی کنم تا برای بیمارانی که درمانگران هر روز با آنها سروکار دارند، مفید باشد. اگرچه این کتاب به مباحث نظری چالش‌انگیز در تفکر روان‌تحلیلی معاصر می‌پردازد، با این حال هدف این بحث، فهم فرایند تغییر است. من در اینجا یک مدل نظری ارائه می‌کنم، و امیدوارم این مدل روشن کند که چگونه درمانگران روان‌تحلیلی می‌توانند به بیمارانشان کمک کنند تا از محدودیت‌های موجود فراتر بروند - یعنی، نظریه‌ای برای تحقق بخشی «خود»^۱.

علیرغم تنوع دیدگاه‌های فعلی، مدلی وجود ندارد که ترکیب مناسبی از دیدگاه کلاسیک، دیدگاه معاصر و عمق تفسیری و متمرکز بر رابطه باشد، مدلی که معتقدم برای بیماران مفید است. من با بسیاری از منتقدان معاصر دیدگاه کلاسیک^۲ و روان‌شناسی ایگو^۳ موافقم که این پارادایم‌های^۴ سنتی روان‌تحلیلی بسیار محدود و کاهش‌گرایانه^۵ هستند و ارزش بالینی زیادی ندارند، اما نگرانم که بعضی دیدگاه‌های دیگر از روان‌شناسی عمقی^۶ دور شده‌اند، مسأله‌ای که همیشه نقطه قوت درمان روان‌تحلیلی بوده است.

اعتقاد من این است که مدل روابط ابژه‌ای که در اینجا به آن به تفصیل پرداخته شده، نقاط قوت هر دو رویکرد را در بر دارد و راهنمای مفیدی برای درمانگران روان‌تحلیلی است. در مطالعه ادبیات تحلیلی، عناصر مهمی از چنین مدل گسترده‌ای را در کار نظریه‌پردازان گوناگونی از قبیل وینی‌کات، کوهاوت، فربرن، گانت‌ریپ، بولاس و بنجامین^۷ یافتیم. مدل پیشنهاد شده، اجزای کار همه نظریه‌ها را در بر دارد اما در هیچ کدام از این نظریات نیست؛ یافته‌های اغلب تحقیقات رشدی در دیدگاه‌های گوناگون، این ایده‌های نظری را تأیید می‌کنند. معتقدم نظریه‌ای ایجاد کرده‌ام که ایده‌های نظری و بالینی تلویحی موجود در نظریه روان‌تحلیلی را در بردارد و در شواهد آزمایشگاهی مرتبط با دوره نوزادی و کودکی نیز اثبات شده است.

در سال ۱۹۹۴، کتابی با عنوان *نظریه‌های روابط ابژه و آسیب‌شناسی روانی*^۸ منتشر کردم که به سهم بالینی منحصر به فرد هر یک از نظریه‌های روابط ابژه می‌پرداخت. در فصل پایانی آن کتاب، رویکرد یکپارچه خودم را مطرح کردم که از عناصر هر یک از نظریه‌ها استفاده می‌کرد تا نوعی مدل روابط ابژه گسترده را معرفی کند. در این کتاب،

1 Self transcending

2 Classical

3 Ego psychology

4 Paradigms

5 Reductionistic

6 Depth psychology

7 Winnicott, Kohut, Fairbairn, Guntrip, Bolland and Benjamin

8 Object relations theories and psychopathology

ایده‌های نظری و بالینی آن فصل را با جزئیات دقیق‌تر گسترش دادم و مدلی ایجاد کردم که معتقدم درمانگران روان‌تحلیلی می‌توانند در کار بالینی از آن استفاده کنند.

در فصل اول این کتاب، از یک مراجع استفاده کرده‌ام تا مدل خودم را مابین دو پارادایم گسترده روان‌تحلیلی یعنی روان‌شناسی ایگو و روان‌تحلیلی ارتباطی معرفی کنم. دو فصل بعدی شواهد تجربی و اساس نظری این مدل را ارائه می‌کنند. فصل ۴ با بحثی در مورد کاربردهای بالینی آغاز می‌شود و مفهومی از کنش درمانی را ارائه می‌کند که از این مدل نظری مشتق می‌شود. سه فصل آخر نشان می‌دهد که چگونه این مدل در بیماران مختلف از قبیل بیماران مرزی^۱، نارسisstic^۲، و نوروتیک^۳ کاربرد دارد؛ و آخرین فصل که نتیجه‌گیری مختصری است، بار دیگر بحثی انتزاعی پیرامون تأمل درباره هنر درمان روان‌تحلیلی را مطرح می‌کند.

www.ketab.ir

1 Borderline
2 Narcissistic
3 Neurotic

Introduction to the English Translation

Dr. Mahmood Dehghani and Samaneh Ghafoori have performed the Herculean task of translating a psychoanalytic text containing subtle, abstruse, and at times even ambiguous concepts into Farsi, a language far removed linguistically and culturally from the original English. I do not speak a word of Farsi, but I can barely imagine the difficulties that must be encountered and overcome to translate an object relations monograph into Persian. To embark on such an ambitious project requires thorough knowledge of psychoanalytic theory well beyond its classical iteration. Object relations theories are not easy to grasp even when read by native speakers in the original language. Many of the concepts are ambiguous and their meaning often controversial. The various object relations theories are varied with subtle and complex differences among them. A text that relies on the crystallization of a variety of theories, as does this one, demands that the translator understand not only the author's conceptualizations, but also the theories on which those ideas are based. And, of course the translator must have a firm knowledge of both languages, so the expertise required of the translator is varied and prodigious.

What does it mean that Dr. Dehghani, an assistant professor of clinical psychology at the Iran University of Medical Sciences, and Samaneh Ghafoori would undertake such a difficult, time-consuming and ambitious project? Looking at this work from the vantage point of the United States, it seems clear that this translation demonstrates the existence of one of the most well kept secrets in contemporary psychoanalysis—the strong and growing analytic movement in Iran. When I inform my North American colleagues of this phenomenon, they look at me in disbelief. How can it be, they wonder, that psychoanalysis can grow and perhaps even flourish in Iran? I do not have a good answer for them as I was until fairly recently one of them. All I can tell the world of North American psychoanalysis is that I cannot explain it; I only know it to be true.

While my colleagues in the United States bemoan the shrinking of the market for psychoanalytic therapy, many areas around the globe are beginning to experience the power of the psychoanalytic way of thinking. One of those domains of increasing psychoanalytic interest is Iran. Several years ago I looked at the international contacts on the Division of Psychoanalysis blog, and I saw that Iran had the third most “hits.” So, while there is much discussion in the US about teaching psychoanalysis in countries like China and Turkey, Iran has quickly become one of the most quickly growing and active psychoanalytic communities.

While Americans may ponder how psychoanalysis can flourish in Iran, that is not an issue for the Iranian psychoanalytic community. For the Iranians the issues are different. There seems to be a thirst for psychoanalytic ideas and with that comes a need for translations of psychoanalytic books and papers into Farsi. Dr. Dehghani and Samaneh Ghafoori have taken an impressive first step in the direction of fulfilling the long-term project of introducing contemporary psychoanalytic theory to the Iranian psychological community. All of us, Americans no less than Iranians, can tip our hats to these psychoanalytic scholars for completing such an arduous project in the service of promoting psychoanalysis in Iran.

Frank Summers, Ph.D., ABPP

Chicago, Illinois

June 26, 2015

مقدمه دکتر فرانک سامرز

دکتر محمود دهقانی و خانم سمانه غفوری کار هرکولی و دشوار ترجمه یک متن روان تحلیلی به زبان فارسی را انجام داده‌اند، متنی که مفاهیم ظریف، پیچیده و حتی گاهی مبهم دارد، به زبانی که از لحاظ زبان‌شناختی و فرهنگی از انگلیسی فاصله بسیاری دارد. من حتی یک کلمه فارسی نمی‌دانم، اما می‌توانم تصور کنم که چقدر مطالعه و ترجمه یک کتاب روابط ابژه به زبان فارسی دشوار است. شروع چنین پروژه بزرگی نیازمند دانشی درمورد نظریه روان تحلیلی، فراتر از تکرار کلاسیک آن است. فهم نظریه‌های روابط ابژه حتی برای خوانندگان در زبان مادری نیز دشوار است. بسیاری از مفاهیم مبهم بوده و حتی معنای آن‌ها اغلب بحث‌برانگیز است. نظریه‌های روابط ابژه متعدد، تفاوت‌های بسیار ظریف و پیچیده‌ای دارند. متنی همچون متن حاضر، بر تبلور گستره‌ای از نظریه‌ها تکیه می‌زند، و مستلزم این است که مترجم نه تنها مفهوم‌سازی نویسنده را درک کند، بلکه باید نظریه‌هایی را درک کند که این نظریه از آن برخاسته است. و البته مترجم باید دانش وسیعی درباره هر دو زبان داشته باشد، بنابراین مهارت‌های مترجم باید گسترده و متنوع باشد.

اینکه دکتر دهقانی (استادیار روان‌شناسی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی ایران) و خانم سمانه غفوری چنین پروژه دشوار و بزرگی انجام داده و زمان بسیاری را صرف آن کرده‌اند، به چه معناست؟ بگذارید به این کار از دیدگاه آمریکایی آن بنگریم، روشن است که این ترجمه پرده از یکی از پوشیده‌ترین رازهای روان تحلیلی معاصر برمی‌دارد و به این معنا حاکی از یک حرکت تحلیلی رو به رشد و قوی در ایران است. زمانی که به همکارانم در آمریکای شمالی در مورد این پدیده می‌گویم، آن‌ها ناباورانه به من نگاه می‌کنند. آن‌ها شگفت‌زده هستند که چگونه روان تحلیلی می‌تواند در ایران رشد کند و حتی ترقی یابد؟ من پاسخی برای آن‌ها ندارم، زیرا تا همین اواخر من هم نظر آنها را داشتم. تمام چیزی که می‌توانم به روان تحلیلی آمریکای شمالی بگویم این است که من نمی‌توانم این مسأله را تبیین کنم؛ اما فقط می‌دانم که واقعیت دارد.

در حالی که همکاران من در آمریکا به خاطر تضعیف جایگاه درمان روان تحلیلی، ناخرسند هستند، در بسیاری از کشورها، حرکتی در جهت تجربه قدرت تفکر روان تحلیلی آغاز شده است. یکی از کشورها که علاقه روزافزونی برای درمان روان تحلیلی در آن وجود دارد، ایران است. چندین سال قبل من بازدیدهای بین‌المللی از بلاگ بخش روان تحلیلی را مرور می‌کردم و دیدم که ایران سومین «جایگاه» را در میان بازدیدکنندگان دارد. بنابراین، با اینکه در آمریکا بحث‌های زیادی درباره آموزش روان تحلیلی در کشورهایی مانند چین و ترکیه وجود دارد، به نظر می‌رسد ایران به سرعت در حال تبدیل شدن به یک جامعه روان تحلیلی فعال و رو به رشد است.

با اینکه آمریکایی‌ها فکر می‌کردند که چگونه ممکن است روان تحلیلی در ایران رشد کند، این موضوع دغدغه جامعه روان تحلیلی ایران نیست. ایرانی‌ها به موضوعات متفاوتی اهمیت می‌دهند. به نظر می‌رسد عطشی برای اندیشه روان تحلیلی وجود دارد که موجب نیاز به ترجمه کتاب‌ها و مقاله‌های روان تحلیلی به فارسی شده است. دکتر دهقانی و سمانه غفوری نخستین و تأثیرگذارترین گام در جهت تکمیل پروژه بلندمدت برای معرفی نظریه روان تحلیلی معاصر به جامعه روان‌شناسی ایران را برداشته‌اند. همه ما، چه آمریکایی و چه ایرانی، به این پژوهشگران روان تحلیلی معاصر برای انجام چنین پروژه دشواری در جهت ارتقای روان تحلیلی در ایران، ادای احترام می‌کنیم.

دکتر فرانک سامرز

شیکاگو، ایلونویز

۲۶ ژون ۲۰۱۵

مقدمه مترجم

وقتی در ابتدای سال ۲۰۱۱ با کتاب نظریه‌های روابط ابژه (۱۹۹۴) دکتر فرانک سامرز آشنا شدم، به قدرت علمی، ادبی و خلاقانه او در پایه‌ریزی یک رویکرد درمانی یکپارچه پی بردم، این نکته را در فصل پایانی کتاب نخست او دریافتیم و به سرعت دو کتاب بعدی او را که در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵ منتشر شده بود، سفارش دادم، با مطالعه دو کتاب اخیر یعنی «transcending the self» و «self-creation» نگاه من در مورد چیستی روان‌تحلیلی و فرایند آن دگرگون شد، و در نهایت با مطالعه کتاب «psychoanalytic vision»، که او در سال ۲۰۱۳ منتشر کرد، به چشم‌اندازی روشن و نویدبخش در مورد سوژه روان‌تحلیلی و روش‌شناسی آن دست یافتیم. وقتی کتاب «psychoanalytic vision» به دستم رسید در ظرف کمتر از سه روز این کتاب را زیر و رو کردم، و باید اذعان کنم که این کتاب نیز، نگاه من نسبت به روان‌تحلیلی را زیر و رو کرد. من از سال‌ها قبل شیفته اسرار روان‌تحلیلی بودم، اما همیشه احساس دوگانه‌ای در مورد روان‌تحلیلی داشتم، آثار نویسندگان کلاسیک برای من تا جایی که از دیدگاه هرمنوتیک پیروی می‌کرد، بسیار دقیق و جذاب بود، اما استفاده از دیدگاه اثبات‌گرایانه برای تأیید پیش‌فرض‌های روان‌تحلیلی باعث می‌شد مشتاق باشم با چشم‌انداز دیگری به روان‌تحلیلی بنگرم. از نظر سامرز قدرت روان‌تحلیلی در هم کوکی خود با تجربه ذهنی تحلیل‌شونده نهفته است، یعنی نوعی هماهنگی با نیاز تحلیل‌شونده به گونه‌ای که در جهت تسهیل فرایند رشد باشد. این امر مهم‌ترین دلیل تأثیر شگرفت آثار فرانک سامرز بر نگرش من نسبت به روان‌تحلیلی بود. از نظر او روان‌تحلیلی در راستای رهایی، انتخاب، کثرگرایی، خلاقیت و بی‌همتایی به منظور دستیابی به سرنوشت خویش است و نه تحمیل تقدیری معین. فرانک سامرز در کنار نویسندگانی همچون بکال و آگدن، بولاس، لئووالد و بنجامین نگاه رشد محور دونالد وینی‌کات را دوباره کشف نمودند و هنرمندانه ایده‌هایی دگرگون‌ساز را بر بیکر نظریه او افزودند. سامرز به گونه‌ای خلاقانه از مفاهیم فلیسوفانی چون هایدگر برای عبور از مفهوم خطی زمان در روان‌تحلیلی استفاده می‌کند و آن را با «فضای بالقوه» وینی‌کات و مفهوم «پاسخدهی بهینه» بکال در هم می‌آمیزد تا از این طریق آینده را به عنوان بخشی تعیین‌کننده و مهم، در فرایند روان‌تحلیلی وارد کند. آنچه به طرز ویژه‌ای از سامرز آموخته‌ام این است که روان‌تحلیلی تنها دانشی پیرامون گذشته و هستی اکنون ما نیست، بلکه روان‌تحلیلی عمیقاً دانشی پیرامون هستی بالقوه مطلوب به آینده ما نیز هست.

از آنجا که روان‌تحلیلی در هر جامعه‌ای در قالب پویایی‌های روابط ابژه آن جامعه بازنمود پیدا می‌کند، مایل بودم تا روایتی متفاوت و هرمنوتیک از روان‌تحلیلی را به جامعه ایران معرفی کنم، به ویژه در روزهایی که عطش زیادی برای روان‌تحلیلی در جامعه روان‌شناسی و غیر روان‌شناس ایران می‌بینیم. برای من عطش امروز جامعه ما به روان‌تحلیلی بازنمایی‌کننده میل شدید به تحقق سرنوشت خویش در عوض تقدیری مفروض است.

در پایان می‌خواهم تا از خانم دکتر سمانه غفوری به خاطر تلاش‌های بی‌وقفه و بی‌همتای او در ترجمه مجموعه آثار سامرز به زبان فارسی تشکر کنم، بی‌شک ترجمه کتاب‌های سامرز بدون مشارکت مشتاقانه و بی‌نظیر او میسر نمی‌شد، او پژوهشگری کنجکاو و خستگی‌ناپذیر در درک و فهم دانش روان‌تحلیلی است و مطمئن هستم که نقل‌های او در ترجمه نوشته‌های سامرز انعکاس گسترده‌ای در جامعه ما خواهد داشت. مجموعه نوشته‌های سامرز در دست ترجمه می‌باشد و ما امیدوار هستیم که تا پایان سال حاضر این مجموعه را به دست خوانندگان مشتاق برسانیم.

محمود دهقانی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران
دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان